

عنوان مقاله:

زیبایی، دشمن سخاوتمند هنر! درآمدی تحلیلی بر مقاله «هنر پس از فلسفه» اثر جوزف کسوت

محل انتشار:

مجله هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، دوره 23، شماره 3 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسنده:

رسول کمالی دولت آبادی - عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی سپهر اصفهان

خلاصه مقاله:

جوزف کسوت در مقاله خود، «هنر پس از فلسفه»، نه تنها زیبایی شناسی به مثابه فلسفه هنر بلکه تمامی فلسفه پیش از ویتگنشتاین را سزاوار نفی و دورشدن از هنر می داند. کسوت در این مقاله به طرح هنری می پردازد که فارغ از هر مدیوم و بی توجه به ظاهر و ریخت، از فلسفه گذر کرده و با تکیه بر کارکرد خود، زبانی فلسفی یافته است: هنری با عنوان «هنر مفهومی» که جایگزین فلسفه و هنر پیش از خود خواهد شد و تاریخ و تعریف هنر را دگرگون خواهد ساخت. در چنین هنری، «زیبایی» که تا پیش از این جزئی لاینفک از اثر هنری تلقی می شد، دیگر مورد ضمانت و تعهد هنر قرار نخواهد گرفت و هنر پس از این تلاش خواهد کرد با علم و گزاره های قابل استدلال تولید و تبیین شود. این مقاله با رویکردی تحلیلی، به بررسی سیر تطور تعاریف زیبایی شناسی و ارتباط آن با علم، فلسفه و هنر می پردازد تا بتواند مولفه های نظری کسوت در مقاله «هنر پس از فلسفه» و نگرش نقادانه وی درباره زیبایی و هنر پیشادوشانی را مورد ارزیابی قرار دهد و تعریف محدود هنر ذیل گزاره های تحلیلی زبان و ماهیت پرسشگر آن نزد کسوت را آشکار کند. گزاره های منطقی ای که باید از زمینه خود جدا شوند تا امکان تبدیل شدن به اثر هنری را پیدا کنند.

کلمات کلیدی:

هنر، فلسفه، زیبایی شناسی، مفهوم، انگاره ذهنی، مدیوم هنری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1775432>

